



ترکش‌های اصابت شده در گالری کاما |



مونا خوش
اقبال: بعد
از گذشت
یک هفته
از آتش‌بس
اقدام به
تدارک برپایی
ورکشاپ
«رودرو»
کردیم.
برای مان
مهم بود
نشان دهیم
هنر همیشه
راه آرامش و
صلح است
و هنرمند
در بحران
هم کارش را
می‌کند چون
احساسش
خیلی درگیر
است اتفاقات
را به محصول
و اثر هنری
تبدیل
می‌کند.
برپایی رویداد
رو رو در
این شرایط
خودش یک
اثر هنری است

را به محصول و اثر هنری تبدیل می‌کند. برپایی رویداد رود رو در این شرایط خودش یک اثر هنری است.»
خوش اقبال تنها دلگرمی‌گالری‌ها در زمان جنگ را بیمه آثار هنری دانست و افزود: «چهار سال گالری‌ام در لندن بود در آنجا تمام آثار هنری بیمه دارد و قیمت مشخص است اما در ایران مرجع قانونی قیمت‌گذاری نداریم مرجعش گالری دارها هستند و آثار در فضای دلالی بدون کاغذ خرید قیمت‌گذاری می‌شود.»
او ادامه داد: «در بحث بیمه آثار هنری اولین نفراتی بودیم که به بحث ثبت اصالت آثار هنری در بلاکچین در سال ۹۸ ورود کردیم اما متأسفانه هیچ‌گاه همراهی با ما نشد و متوقف شدیم.»
خوش اقبال درباره اینکه گالری‌ها دوران جنگ را چگونه طی خواهند کرد گفت: «با تونگ به خدا واقعاً ماندگاری گالری‌ها در عرصه هنر تضمینی ندارد. افت بازار هنرهای تجسمی از بهمن ماه با نوسان قیمت دلار شروع شد اکثر آثار هنری به خارج از کشور می‌روند و قیمت‌ها با دلار تعیین می‌شود در آن مقطع دلار یک دفعه به ۹۰ تومان رسید و در این شرایط کسی برای سرمایه‌گذاری اطمینان نمی‌کند و زرمه‌های جنگ و احوال ناخوش جامعه باعث از بین رفتن بازار هنر شد و خرید و فروش آثار هنری به صفر رسید.»
مدیر گالری کاما با تأکید بر این نکته که نابسامانی در بازار هنر هنوز وجود دارد و تا ۶ ماهه آینده هم ادامه پیدا می‌کند گفت: «هنرینه‌های گالری‌ها بالاست و تا اندازه‌ای می‌توانیم از پس اندازه‌ها استفاده کنیم اما برای ادامه کار در این شرایط بحرانی به شخصه به فکر تغییر کاربری‌هایی در فضای گالری هستیم.»

باسخگو نیست برای اینکه جلوی تحمیل ضررهای مضاعف را بگیریم شب در گالری ماندیم و به این فکر نکردیم جانمان به خطر می‌افتد.
خوش اقبال درباره میزان خسارت‌هایی که به گالری وارد شده گفت: «تا الان فقط ۳۰ میلیون تومان پول شیشه دادیم بعد رنگ و نقاشی دیوار و درهایی که آسیب دیدند، خسارت‌های مالی خیلی اذیت کننده نیست در مقابل آسیب‌های روحی و روانی که دیدیم. ما تنها گالری هستیم که در تهران در جریان جنگ آسیب دیدیم، دلجویی و همراهی نه از سوی صنف‌مان صورت گرفت و نه ارشاد. حتی پست‌هایی که از خرابی گالری در صفحه مجازی گذاشتیم را هم ندیدند با اینکه ۱۸۰ بار بازنشر شد. ما اینجا را با هزاران سختی باز نگه داشتیم جایی که ستون‌های فرهنگ و هنر است و پناهگاه امید جامعه، چون فرهنگ و هنر در دل بحران‌ها تنها راه حفظ امید و زندگی است.»
او درباره اینکه با وجود تحمیل ترس و ناامنی به جا مانده از جنگ چیرا دوباره آغاز به کار کردید گفت: «بعد از گذشت یک هفته از آتش‌بس اقدام به تدارک برپایی ورکشاپ «رودرو» کردیم. برای‌مان مهم بود نشان دهیم هنر همیشه راه آرامش و صلح است و هنرمند در بحران هم کارش را می‌کند چون احساسش خیلی درگیر است اتفاقات

آسیب دیده گفت: «یک ماهی در تدارک برپایی ورکشاپی به نام «رودرو» بودیم، قرار بود اساتید برجسته نقاشی معاصر در این ورکشاپ مدل پرتره شوند و ورکشاپ عادی هم نبود. متأسفانه شب قبل از این ورکشاپ یعنی شب جمعه ساعت سه و نیم شب مورد حمله اسرائیل قرار گرفتیم، بر اثر حمله به برج سرچهار راه جهان کودک ساختمان گالری آسیب دید، در، پنجره، دیوارها و حتی مجسمه‌های حیاط گالری خسارت دیدند و تمام چیدمانی که برای ورکشاپ داشتیم جمع و نمایشگاه کنسل شد.
خوش اقبال که بعد از اطلاع از وقوع حادثه به محل گالری‌اش آمده درباره حسش بعد از دیدن خرابی‌ها گفت: «کودکی‌ام در جنگ ایران و عراق گذشت به‌خاطر نشانه‌هایی که از جنگ به یاد دارم و استرس و اضطراب آن با یک صدای کوچک از جا می‌پریم و با دیدن آن صحنه‌ها اولین چیزی که به ذهنم رسید زنده شدن خاطرات کودکی‌ام درجنگ بود.»
مدیر گالری کاما مجبور شده ۱۲ روز جنگ در گالری بماند و خانه نرود به اعتقاد او در این مواقع یک سری افراد فرصت‌طلب از خالی بودن خانه‌ها استفاده می‌کنند، اگر یک اثر هنری چند میلیاری از گالری دزدیده شود به دلیل نبود بیمه کسی

آگهی مناقصه عمومی

شرکت مهرگام پارس در نظر دارد خدمات گرانول سازی مواد ساختمانی سایت تهران خود را از طریق مناقصه عمومی برای مدت یکسال به پیمانکار معتبر و دارای کلیه مجوزهای لازم واگذار نماید. لذا شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند ظرف مدت ۱۰ روز از زمان انتشار این آگهی جهت دریافت و عودت اسناد مناقصه به آدرس‌های ذیل مراجعه نمایند.

● کیلومتر ۱۱ جاده مخصوص کرج، شرکت مهرگام پارس سایت تهران درب ۱، واحد قراردادهای تلفن ۴۸۸۶۲۷۸۴، ۴۸۸۶۲۳۰۳، ۴۸۸۶۲۳۸۴، ۴۴۹۰۳۶۲۲ و ۴۸۸۶۲۶۷۳

بدیهی است شرکت در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات ارائه شده مختار بوده و به پیشنهادات خارج از تاریخ تعیین شده و پاکت تسلیمی فاقد شرایط مناقصه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

● مبلغ سیرده شرکت در مناقصه مذکور ۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال معادل یکصد و هفتاد و پنج میلیون تومان خواهد بود.

● متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با تلفن‌های فوق تماس حاصل نمایند.

مناقصه عمومی

فرماندهی قرارگاه شهدای منطقه پارچین در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی فعالیت‌های مشروحه زیر را به‌صورت مجزا به تأمین‌کننده‌های واجد شرایط واگذار نماید.

۱- بیمه‌ساری عملیات راهبردی استخر سد ف واقع در شهرک شهید نامجو به‌شرح فرم مناقصه شماره ۲۷۸۶ (تجدید آگهی)

۲- اجرای عملیات ترارش، زیرسازی، تهیه و اجرای قیر و آسفالت به‌شرح فرم مناقصه شماره ۱۹۹ (تجدید آگهی)

لذا کلیه تأمین‌کنندگان دارای سوابق کاری مشابه و متقاضی شرکت در مناقصه دعوت می‌گردد به‌منظور اطلاع از جزئیات و اخذ فرم حداثکتر تا پایان وقت اداری پنج‌شنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۱۹، همه روزه به غیر از ایام تعطیل رسمی در ساعت اداری به نشانی: تهران، شهرستان پاکدشت میدان شهید سپهبد سلیمانی، انتهای بلوار شهدای پارچین فرماندهی قرارگاه شهدای منطقه پارچین معاونت بازرگانی مراجعه و جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۴۲۴۵۰۲۲۴۰ تماس حاصل فرمائید.

ضمناً هزینه درج آگهی در جراید به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

ثبت‌نام در سامانه مدیریت تأمین‌کنندگان ودجا (سستا) و اخذ گواهی‌نامه آن در صورت برنده شدن الزامی می‌باشد.

کمیسیون معاملات فرماندهی قرارگاه در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می‌باشد.

آگهی مزایده

راهبری کشتارگاه صنعتی دام

شهرداری بجنورد

به‌شماره مزایده ۵۰۴۹۲۰۰۰۱۵ و به مبلغ ۵۰۴۹۲۰۰۰۰ ریال و ۱۸۵/۱۵۵/۸۵ ریال و تضمین شرکت در مزایده ۹۰۲۵۵/۷۹۲۰۰۰ ریال به مدت ۳ سال به اشخاص حقیقی با حقوقی که دارای تجربه کار در امور کشتارگاه دام می‌باشند واگذار نماید. جهت دریافت و تحویل اسناد از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir اقدام نمایند.

کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام خواهد شد لذا ضروری است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی نسبت به ثبت‌نام در سامانه مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی جهت شرکت در مزایده اقدام نمایند.

۱- تاریخ انتشار مزایده در سامانه ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ می‌باشد.

۲- مهلت زمان دریافت اسناد مزایده از سامانه تا ساعت ۱۳ تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۸

۳- مهلت زمان ارائه پیشنهادات تا ساعت ۱۳ تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

۴- زمان بازگشایی پاکت‌ها ساعت ۱۳ تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

اطلاعات دستگاه مزایده‌گزار بجنورد بلوار دولت شهرداری بجنورد و تلفن ۰۵۸-۳۴۲۲۲۱۱۰۱۴

شهرداری بجنورد

آگهی مزایده

یک موسسه اعتباری در نظر دارد ۲ دستگاه خودروی سواری خود را از طریق مزایده عمومی واگذار نماید.

۱- خودروهای مدل ۲۰۱۲ قیمت پایه مزایده ۲۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال

۲- خودروهای مدل ۲۰۱۲ قیمت پایه مزایده ۲۰,۵۰۰,۰۰۰ ریال

شرایط عمومی مزایده:

۱- واریز مبلغ ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال معادل پنجاه میلیون تومان بابت هر دستگاه خودرو، سیرده شرکت در مزایده

۲- متقاضیان جهت بازدید از خودروها و دریافت اسناد شرکت در مزایده و اخذ شماره حساب واریز سیرده به آدرس: خیابان آفریقا، بالاتر از چهارراه جهان کودک، نبش خیابان شهید صائمی، پلاک ۶۸، طبقه دوم مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۸۲۷۹۱۱۱۸ و ۲۰۰۸۰۹۱۹۴۳۰۰ تماس حاصل نمایند.

۳- آخرین فرصت شرکت در مزایده و ارسال اسناد در ساعت و یوم اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ می‌باشد.

۴- هزینه آگهی و کارشناسی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.

۵- موسسه در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.

سایپا سیترون

تجدید آگهی مناقصه عمومی

شرکت سایپا سیترون در نظر دارد مناقصه ذیل را از طریق مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید:

۱- تأمین سرویس ایاب و ذهاب درون شهری پرسنل شرکت سایپا سیترون

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت www.SAIPA-CITROEN مراجعه نمایند.

نکته: فرآیند ارزیابی متقاضیان، با توجه به شرایط مورد نظر شرکت سایپا سیترون انجام خواهد پذیرفت.

محل دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهادات: کاشان کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد خرید شرکت سایپا سیترون تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۳

معاونت خرید شرکت سایپا سیترون

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

مشاور و مجری کلیه خدمات چاپی

چاپ افست ۲ ورق قی ۴ رنگ

پلیت ستر ۴ ورق قی/ برش و تاکنی روزنامه

۷-۸۴۷۱۱۵۰۵

آدرس دفتر:

تهران، خیابان قنبرز اده، ابتدای خیابان خرم‌شهر، پلاک ۲۰۸

آدرس چاپخانه:

چهار دانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

دروایت متفاوت از زبان اهالی فرهنگ و هنر که در جنگ خسارت دیدند

آواز زندگی از دل ویرانی



نمایی از خانه تخریب شده استاد اکبر رادی (نمایشنامه نویس) - عکس: ایران تئاتر |

هنرم هم از آسیب‌های جنگ بی‌نصیب نماندند و تعدادی از آنها به خانه، محل کار و دفترشان خسارت‌های سنگین و سهمگین وارد شده به طوری که قابل استفاده و سکونت نیست. در تماس با بعضی از آنها و حضور در محل کارشان به وضوح مشاهده شده که آنها تمام وسایل خانه‌شان را از دست دادند و برای زندگی به خانه اقوام و بستگان‌شان رفتند و با وجود تأکلمات روحی و روانی حاصل از جنگ پیگیر مسائل اداری مربوط به بازسازی خانه‌های‌شان هستند. در این گزارش با حمیده‌بانو عنقا همسر زنده‌یاد اکبر رادی یکی از پایه‌گذاران نمایشنامه نویسی ایران که خانه‌اش در این جنگ دچار تخریب و خسارت شده و مونا خوش اقبال مدیر گالری کاما که ترکش‌های جنگ به محل کارش خسارت زده گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

همه درهای موجود در خانه و حتی در یخچال و فریزر کنده و به اطراف پرت شد. تکه‌های شیشه مثل خنجر به دیوارهای‌هال و پذیرایی که هنوز برجای بود فرو رفت، چهارچوب فلزی چهارمتری پنجره بزرگی که قبلاً اشاره کردم از جا کنده و تا شد، اما خوشبختانه به سرن نرسید. انکار دستی آن را نگه داشت .

فریاد زدم خدایا

او تأکید می‌کند که نجاتش نه یک رویداد شانس‌ی عادی، که ناشی از اراده‌ای آسمانی بوده: «بر اساس ایمانی که به خدای یگانه دارم می‌گویم. خودم را ورنه‌انداز کردم و پرسیدم چرا من طوری نشد؟ بعد می‌دانم کسانی که در جنگ خسارت دیدند، شرایطی را که من در آن هنگام گذراندم، تجربه کرده و سالم مانده باشند. در آن لحظه بلند فریاد زدم: خدایا شکر».

او در ادامه روایت خود می‌افزاید: «بلند شدم، با اینکه دمپایی روفرشی پام بود، به دلیل اینکه تمام سطح خانه با شیشه‌های شکسته پوشیده بود، کمی زخم برداشتم. آهسته‌آهسته وارد سالن شدم. مبل‌ها خرد شده و لوسترها فرو افتاده بود. هر چه که تصورش را بکنید، ساعت‌ها، تابلوها، تزیینات، آینه‌ها، قفسه‌ها، کمد‌ها، میز و صندلی‌ها و... به تلی از ویرانه و آوار بدل شده بود. اتفاقی که تا چند دقیقه پیشتر در آن خواب بودم، چهارچوب پنجره‌اش از جا کنده شده و درست در جای خواب من افتاده بود. اگر چند دقیقه یا حتی چند لحظه بیشتر آنجا خوابیده بودم، الان زنده نبودم.»
خانم عنقا صحنه‌های حضور امدادگران را هم به یاد دارد: «همسایگان مهربان پایینی تاز از سفر برگشته بودند و خودشان را به طبقه بالا رساندند تا من را دریابند. آن‌قدر اوضاع وحشتناک بود که گمان کردند زنده نیستیم. دو امدادگر هم رسیدند. با هم حرف می‌زدند که مادر (یعنی من) را کول کنیم پایین ببریم. اما من هوشیار بودم. با لحن قاطع می‌افزاید: «آرامشی که در آن لحظه به من عطا شده بود، باعث شد به آنها بگویم: چرا من را کول کنید؟ خودم می‌آیم.»

کتاب‌ها و دست‌نوشته‌ها محفوظ ماندند

او اما به‌رغم ویرانی، باور دارد که سرمایه معنوی آن زندگی نجات یافته است: «دست‌نوشته‌های رادی و نسخه‌های چاپ اول آثارش، سخنرانی‌ها و فیلم عبارات ادامه می‌دهد: «چون آسانسور از کار افتاده و راه‌پله پر از آوار خاک و سنگ و شیشه شده و عبور از آنها سخت بود، به یاری آنها آرام‌آرام پایین آمدم. خانه ما به دلیل فاصله بسیار نزدیک با محل اصلی انفجار، بیشترین آسیب را دید. باورتان نمی‌شود: گویی شیشه‌ها و سنگ‌ها نرم شده بودند و اصلاً به پام آسیب نزدند. من را از کوچه خودمان به سرخیابان فلسطین بردند. روی سکوای خانه‌ای نشستم. دو پسر جوان خیلی برایم دلسوزی کردند. حتی آمبولانس و پزشک



گزارش

سعیده احسانی راد
گروه فرهنگی

جنگ تمام شد اما ترکش و خرابی‌هایش هنوز در گوشه گوشه شهر باقی مانده است. در هر منطقه خانه‌هایی که به محل انفجارها نزدیک بودند بیشتر تخریب شده و حتی به طور کامل از بین رفته است. اهالی فرهنگ و

خانه‌ام تخریب شد

اما دستی از غیب نجات داد

خانه و دفتر کار زنده‌یاد اکبر رادی نمایشنامه‌نویس برجسته‌ای که آثارش در کنار نوشته‌های استاد بهرام بضایی و روان‌شاد غلامحسین ساعدی که از ستون‌های اصلی درام‌نویسی مدرن ایران محسوب می‌شوند. در جریان تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به ایران به‌طور کامل ویران شد. این خانه که در خیابان حجت‌دوست، به‌موازات و در جنوب بلوار کشاورز تهران واقع شده بود، در ساختمانی شش طبقه قرار داشت که حالا تنها ویرانه‌ای از آن باقی مانده است. در زمان وقوع حادثه، حمیده‌بانو عنقا، همسر زنده‌یاد رادی، در این خانه حضور داشت، ولی به‌طرز معجزه‌آسا از موج انفجار جان سالم به‌د برد. او اکنون در شهر گرگان نزد فرزندش به‌سر می‌تزد و در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران»، لحظه‌به‌لحظه آنچه را که در بعدازظهر ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ بر او گذشت، روایت کرده است.

خواب می‌دیدم که صدایی گفت

حمیده‌بانو عنقا با آرامش سخن می‌گوید: «هرچه درباره روز حادثه بگویم، شاید باور نکنید. بعد از یک روز کاری سخت، حدود ساعت دو و نیم بعدازظهر در اتاقی که تخت زیر پنجره قرار داشت استراحت می‌کردم. روای قشنگی هم می‌دیدم. ناگهان ساعت سه احساس کردم یکی گفت از اینجا بلند شو!»
او با لحنی دقیق از روال روزمره‌اش پس از برخاستن از خواب می‌گوید: «به اتاق نشیمن رفتم؛ جایی که یک پنجره بزرگ تماماً شیشه‌ای چهارمتری دارد و از سقف تا کف یک وجه اتاق (سمت کوچه) را پوشانیده است. یک یخچال و یک فریزر کنار هم در این اتاق قرار داشت. روی کاناپه‌ای که در امتداد یخچال و فریزر بود نشستم و ظرف میوه را از یخچال برداشتم. کمتر سابقه داشت آنجا بنشینم. چون اغلب روبه‌روی تلویزیون می‌نشستم.»

ناگهان صدای مهیبی آمد و خانه

در لحظه زیر و رو شد

خانم عنقا که هنوز از یادآوری این لحظه‌ها شگفت‌زده است، ادامه می‌دهد: «وقتی گیلادی در دهان گذاشتم، تهیب سهمگینی شنیدم؛ صدای انفجاری که دیوانه‌کننده بود. در چشم به‌هم‌زدنی همه خانه و وسایل در بوداغان شد همه شیشه‌ها، شکستی‌ها مثل خاکشیر پودر شد، دیوارها فرو ریخت، گردوخاک قضا را غبارآلود و سفید کرد و فرش سنگین ۱۲ متری وسط اتاق محاله شد.»
او با اشاره به آسیب‌های محیطی و معجزه‌ای که مانع صدمه دیدنش شد، می‌گوید: «خوشبختانه سقف آوار نشد، اما دیوار بین اتاق‌ها فرو ریخت. تلویزیون مثل پرگامی چند متر پرت